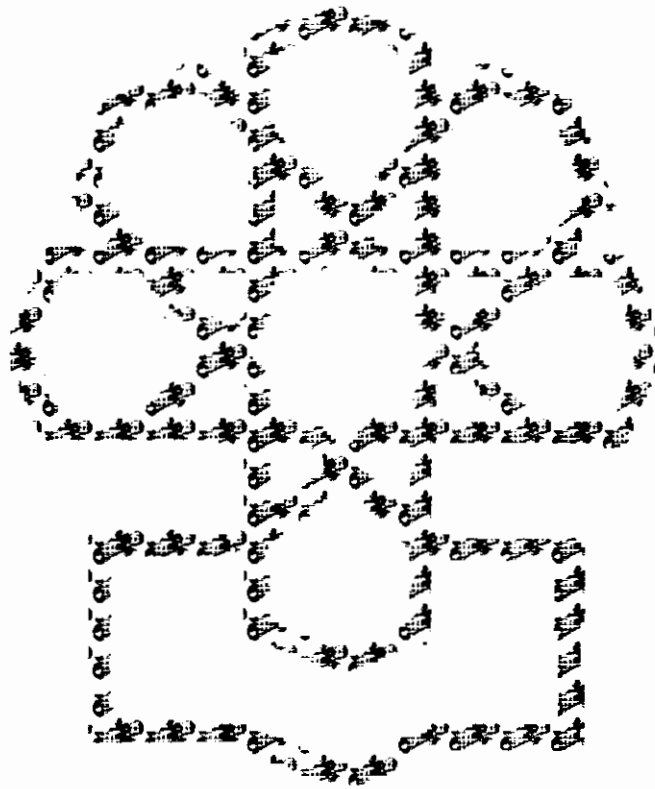


## وحدت حوزه و دانشگاه



معاونت پژوهشی  
بهمن ماه ۱۳۷۴

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این مطالعه به تقاضای جناب آقای مهندس یحیی  
عضو محترم هیأت رئیسه انجام پذیرفته است.

کد گزارش: ۳۲۰۱۱۳۱

وحدت حوزه و دانشگاه

کد گزارش: ۳۲۰۱۱۳۱

- ۱- مقدمه .....
- ۲- حوزه و دانشگاه .....
- ۳- انواع وحدت .....
- ۴- وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره) .....
- ۵- وحدت از دیدگاه مقام معظم رهبری .....
- ۶- وضعیت و عملکرد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه .....
- ۷- الف- ارتباط حوزه و دانشگاه و عملکرد دفتر .....
- ۸- ب- تحلیل عملکرد و مشکلات دفتر .....

نقش نیروی سازنده در رشد و تعالی هر جامعه، فوق سایر ابزار و امکانات بوده و به گونه‌ای است که حتی مدیران در رسیدن به مقاصد و منویات خود، بدون این نیروها موفق نخواهند بود. این نیروها که حرکت کل جامعه را تحت رهبری مدیران هدایت و کنترل می‌کنند در کشور ما به وسیله دو مرکز علمی آموزش داده می‌شد و هم‌اکنون نیز این رویه ادامه دارد. این دو مرکز که دانشگاه و حوزه می‌باشد، مدعی و عهده‌دار دستیابی به اهداف علم و دین هستند. این دو نهاد، در گذشته در بسیاری از جهات متفاوت با یکدیگر عمل می‌کردند. یکی رسالت خود را سازندگی انسانها می‌دانست و علم را ابزار می‌پنداشت و دنیا را برای آخرت می‌خواست، و دیگری علم و دین را برای دنیا. این اهداف متفاوت روشهای مختلف را می‌طلبید و راهها را جدا می‌کرد و پیوستگی و وحدت و یکپارچگی را به جدایی و دوگانگی و در نهایت، تعارضها و تزاخم‌ها و درگیریها مبدل می‌ساخت.

اما نباید از نظر دور داشت که شخصیت‌های بسیاری از جمله مرحوم شهید مطهری و شهید مفتاح در جهت ارتباط و ایجاد وحدت میان حوزه و دانشگاه پیش از انقلاب و بعد از آن کوشیده و همواره پیشقدم بوده‌اند ولی به لحاظ اینکه رأس دانشگاه در جهت اهداف رژیم منحط گذشته گام برمی‌داشت این کار به نتیجه نرسید تا اینکه رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) که خطر انحراف روشنفکر نمایی و خشک مقدسی و تحجر را دوری از مبانی فکری اسلامی و عدم آشنایی با نیازها و مسائل و علوم روز می‌دید و از طرفی نیز سازندگی جامعه در گرو همین وحدت و هماهنگی نیروهای مخلص و روشنفکر مذهبی هر دو مرکز بود که می‌توانست در مقابل آن جریان انحرافی پایداری و مقابله نماید، لذا ایشان فرمان وحدت حوزه و دانشگاه را صادر نمودند و روز بیست و هفتم آذرماه به عنوان روز وحدت حوزه و دانشگاه انتخاب گردید، روزی که خون یک روحانی دانشگاهی تداوم آن را تضمین کرد.

### ۱- حوزه و دانشگاه

وقتی از وحدت حوزه و دانشگاه سخن می‌گوییم، شایسته است حداقل، عناصر این عنوان را باز کرده و بررسی مختصری را درباره آن انجام دهیم، تا خواسته‌ها و مرجع انتظار روشن شود. علت اینکه این حرکت تاکنون ثمره چندانی نداشته شاید بتوان گفت، تعریف نشدن عناصر این وحدت باشد، گرچه تعریف کردن به تنهایی مشکل را حل نکرده و بعد از این امر، توجه و بررسی پیرامون عوامل و زمینه‌های وحدت، اهداف وحدت، گامهای رسیدن به وحدت و ریشه‌های تفرقه و جدایی لازم به نظر می‌رسد و بایستی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی قطعی در این زمینه صورت پذیرد و مرجع واحدی هم برای تحقق آن اقدام نماید.

اما باید قبل از همه این مسایل، ساختار حوزه و دانشگاه که در واقع مرجع تحقق این امر هستند، شناخته شوند و مادر این گزارش بر آن نیستیم تا ساختار فکری و اعتقادی و پیشینه تاریخی این دو نهاد را به طور کامل بررسی کنیم، هر چند که این امر برای تحقق وحدت کاری ضروری است. زیرا این بررسی مستلزم وقت و مجال بیشتری است و مادر اینجا تنها به ساختار سازمانی این دو نهاد اشاره می‌کنیم تا روشن شود که از چه کسانی بایستی انتظار داشت.

### الف: حوزه

حوزه از مدارس بسیاری تشکیل شده که عمدتاً در شهر مقدس قم و مشهد واقع شده‌اند. و برخی از

آنها هم که در شهرهای دیگر مدیریت واحدی بر آنها اعمال نمی‌شود، تحت نفوذ فکری شورای عالی مدیریت حوزه یا مدیران یا متولیان یا واقفان و یا اساتید می‌باشند.

حوزه قم تا همین اواخر، زیر نظر شورای مدیریت اداره می‌شد ولی اخیراً، مجموعه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری از مدیریت جدا شده، یعنی شورای عالی. کار سیاستگذاری را و مدیریت، اجرای تصمیم‌ها را بر عهده دارند. این شورا هنوز بر تمامی مدارس قم نفوذ و احاطه نیافته به طوری که قسمت خواهبران و مدارس بسیاری که تحت نفوذ مدیریت حوزه نیستند و همچنین دروس خارج نیز همگی به صورت مستقل عمل می‌کنند و تحت نظام و برنامه خاصی قرار ندارند. در حوزه گروهی از اساتید، سازمانی را به نام «جامعه مدرسین» تشکیل داده‌اند که این افراد خودشان صاحب‌نظر بوده و مستقل از شورا و قسمت‌های دیگر حوزه تصمیم‌گیری و عمل می‌کنند.

مؤسسات فرهنگی و تبلیغی بسیاری در حوزه وجود دارد که مستقلاً عمل می‌کنند و شورا بر این مؤسسات نیز اعمال مدیریت ندارد و فعالیتهای ایشان هم از هماهنگی خاصی برخوردار نیست. در حوزه، نمایندگانی نیز به نام «نمایندگان طلاب شهرستانها» وجود دارند که توسط طلاب هر شهرستان انتخاب می‌شوند، و گاهی نیز با هم جلساتی دارند. اینها نیز حلقه واسطه بین شورا و مدیریت و طلاب می‌باشند و جز در موارد کمی قدرت اعمال نظر ندارند.

آخرین عضو خانواده حوزه، طلاب هستند که بخش عظیمی از حوزه را همین گروه تشکیل می‌دهد.

#### ب: دانشگاه

دانشگاه نیز از بخشهای مختلفی تشکیل می‌شود. بخش سیاستگذاری که شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد و بخش مدیریت که عبارت از وزارتخانه و رؤسای دانشگاهها و دانشکده‌ها هستند. بخشهای پژوهش که مرکز نشر دانشگاهی، جهاد دانشگاهی و پژوهشگاه علوم انسانی قسمتی از آن است و بخشهای سیاسی همچون انجمنهای اسلامی و جمع دانشجویان.

در اینجا این سؤال مطرح است که با توجه به این ساختار سازمانی حوزه و دانشگاه چه مقامی باید عهده‌دار سیاستگذاری وحدت باشد و مرجع اجرا کدام است؟ آیا این انتظار از مدیران است یا اساتید یا طلاب و یا مجموعه‌های پژوهشی و فرهنگی و...؟

#### ۲- انواع وحدت

سومین عنصری که در بحث وحدت حوزه و دانشگاه باید روشن شود قلمرو وحدت است. در این زمینه نظرات گوناگونی قابل طرح بوده که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱- وحدت در مبانی فکری و معرفتی و فرهنگی

۲- وحدت در اهداف عالی (سازندگی، تربیت و هدایت جامعه)

۳- وحدت سیاسی و اجتماعی (موضع‌گیری و عملکرد واحد در مقابل حرکت‌های دشمنان داخلی و خارجی و تبعیت و اطاعت از منویات مقام معظم رهبری در دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی)

۴- وحدت علمی (استفاده از متون علمی واحد در رشته‌های علوم انسانی یعنی انعکاس نظرات اسلام در این زمینه‌ها از طریق منابع درسی به دانشگاه و حوزه)

۵- وحدت سازمانی (مدیریت واحد در سیاستگذاریها، اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی، حضور در مراکز یکدیگر جهت آشنایی و ارتباط و همدلی و همفکری و ...)

از میان این وحدتها آنچه که مقدم بر سایر موارد است و به عبارتی به عنوان پایه وحدتهای دیگر به حساب می آید وحدت در مبانی فکری و اعتقادی است. این وحدت است که انگیزه علمی واحد و اهداف انسانی واحدی را به دنبال داشته و می تواند ما را در رسیدن به وحدتهای دیگر رهنمون باشد.

### ۳- وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)

«مسئله حوزه های علمیه فقاهتی و مسئله دانشگاهها از اهمیت ویژه ای برخوردارند. زیرا به منزله مواد خام مقدرات یک ملت و کشور هستند. این دو مقام. مرجع نشر حقایق اسلام و مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر مسایل مورد ابتلا کشور می باشند.»<sup>(۱)</sup>

اینهایی که نمی خواهند یک کشور صحیح و سالم باشد و اربابهای آنها که از اول هم نمی خواستند. نمی توانند ببینند که شما با هم مجتمع شده اید و می خواهید با هم کار کنید. آنها عواقب این امر را برای خودشان می دانند که اگر حقیقتاً دانشگاهی و حوزه های علمی و همه دانشگاهها در هر جا که هستند اینها با هم بشوند و با هم نقشه داشته باشند برای پیروز کردن انقلاب، این برای آنها عواقبی دارد.<sup>(۲)</sup>

«منشاء همه گرفتاریهای یک کشور از دانشگاه است و حوزه های علمی، و منشاء همه سعادهای مادی و معنوی، از دانشگاه هست و حوزه های علمی.»<sup>(۳)</sup>

«اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل. در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می کنند بار بیاورد و این استقلال است که می تواند کشور ما را مستقل کند...»<sup>(۴)</sup>

با بررسی بیانات امام خمینی (ره) مشخص می شود که ایشان برای حوزه و دانشگاه اهداف و نقش مشترکی می بینند به این معنا که این دو نهاد علی رغم ماهیت متفاوت باید در جبهه ای واحد قرار گیرند.

### ۴- وحدت از دیدگاه مقام معظم رهبری

«حاکمیت در فرهنگ، با ممیزات و مشخصات متفاوت، بر این دو حوزه تاکنون خسارات فراوان به جامعه ما تحمیل کرده است: علم را محور هر چیز قرار دادن، از علم نیز تنها به جنبه های مصرفی آن دل بستن و در نهایت کارگزار قدرتهای علمی جهانی شدن و بازارهای مصرف را برای تولیدکنندگان خارجی، گرم و داغ نگه داشتن ضایعه ای است تلخ و دردناک که دانشگاه باید هر چه سریعتر به جبران آن قیام کند و نقصان و خللی را که از این راه به جامعه ما وارد آمده است ترمیم نماید. از آن سویی، در حوزه ها نیز نیازهای ملموس جامعه و مردم، و واقعتهای زمانه باید مطرح شود. چرا که اگر «دین، عین سیاست است» که هست، پس باید قدم در واقعتهای عصر و دوران نهاد و از حیطة ذهنیتهای مجرد رها شد.»<sup>(۵)</sup>

«مسئله وحدت حوزه و دانشگاه که امام (ره) مطرح کردند، مراد همکاری حوزه و دانشگاه نیست، اگرچه همچنان که گفتیم، امروز همکاری حوزه و دانشگاه را معنا خواهد داد، یعنی امروز چاره دیگری نداریم، چون حوزه های علمیه خیلی از علوم دنیایی جدا شده اند، یا به تعبیر دیگر علوم مربوط به زندگی جسمی مردم و دانشگاهها به کلی از علوم دینی و علوم الهی و اسلامی منفک شد، و لذا سالها طول می کشد و باید اینها همکاریهای مستمری با هم داشته باشند تا زمینه به وجود آمدن یک مجتمع عظیم فراهم شود که در

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۳۳.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲.

۳- همان، ص ۲۰۷.

۴- همان، ص ۲۸۱.

۵- مقام معظم رهبری، ۶۰/۹/۲۷.

آن، دین و دنیای مردم هر دو با هم تدریس شود و مردم با جهت‌گیریهایی انسانی صحیح دانش بیاموزند.»<sup>(۱)</sup>  
«وحدت روحانی و دانشگاهی بیش از هر چیز، وحدت دلها، انگیزه‌ها، هدفها و ایده‌ها را بر مبنای کمک به هم و استفاده از تجربیات یکدیگر به وجود می‌آورد.»<sup>(۲)</sup>

«یکی از خصوصیت‌های بسیار ممتاز دانشگاه که نسبت به حوزه دارد این است که در دانشگاه‌ها کار دسته‌جمعی است، ولی در حوزه کار فردی است.»<sup>(۳)</sup>

«اما وحدت حوزه و دانشگاه یعنی چه؟ آیا مقصود این است که برنامه‌های حوزه را در دانشگاه، یا برنامه‌های دانشگاه را در حوزه اجرا کنیم؟ یقیناً مقصود اینها نیست و حوزه یک علمی و درسهایی و روشهایی دارد برای خودش، دانشگاه هم یک علمی و روشهایی و مقاصدی برای خودش دارد، که البته هر کدام باید روشهای خود را از همدیگر کامل کنند و از تجربه‌های یکدیگر بهره‌مند شوند. در این بحثی نیست، لکن وحدت حوزه و دانشگاه یعنی وحدت در هدف و حرکت همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی، پیش‌رفته و مستقل، جامعه امام، جامعه پیش‌آهنگ، جامعه الگو و ملت شاهد: یعنی ملتی که ملتهای دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند...»<sup>(۴)</sup>

«ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم: یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم دین و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسایل روز به روز حادث شونده برای زندگی است و این حوزه است که کارش عبارت از تحقیق در مسایل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همه شئون زندگی است...»

یک نهاد دانشجویی دیگر داریم، که این نهاد دانشجویی ناظر به اداره امور زندگی مردم منهای مسایل مربوط به دین مردم است. مردم معاش دارند، کسب دارند، ساختمان دارند، راه دارند، جسم دارند، شناسایی‌های گوناگون لازم است. تحقیق در امور زندگی مردم لازم است...»<sup>(۵)</sup>

#### ۵- وضعیت و عملکرد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

##### الف: ارتباط حوزه و دانشگاه و عملکرد دفتر

یک گام عقب‌تر از وحدت، ارتباط و همکاری حوزه و دانشگاه است، به عبارتی برای دستیابی به وحدت، ارتباط و تعامل فکری بین حوزه و دانشگاه امری ضروری و غیرقابل انکار است، لذا بدین منظور از طرف حضرت امام (ره) در اوایل انقلاب فرمانی مبنی بر تحقق این امر صادر شد و به دنبال آن حرکت‌هایی توسط دفتر ارتباط حوزه و دانشگاه که البته از قبل ریشه‌هایی داشت. توسط حضرت آیت‌الله مصباح یزدی آغاز گردید. سمینارهایی نیز در این زمینه تشکیل و کتابهایی تدوین شده است.

هدف دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز محدود به ایجاد وحدت در متون درسی حوزه و دانشگاه است و مسؤولین این دفتر امیدوارند که وحدتهای دیگر نیز از این وحدت حاصل گردد.<sup>(۶)</sup>

نکته دیگر این که علی‌رغم ادعاهای شورای مدیریت، باید اذعان نمود که چه در گذشته و چه در حال

۱- مقام معظم رهبری، ۶۳/۹/۱۳

۲- مقام معظم رهبری، ۶۶/۶/۲۹

۳- مقام معظم رهبری، ۶۳/۹/۱۳

۴- مقام معظم رهبری، ۶۹/۹/۲۸

۵- مقام معظم رهبری، ۷۲/۶/۲۴

۶- اهداف، تاریخچه و تشکیلات و مراحل که این دفتر داشته و محصل و خروجی آن در مصاحبه مسؤول قبلی دفتر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای عراقی و همچنین مصاحبه‌ای که با جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای اعرافی صورت گرفته، در مجله شماره یک حوزه و دانشگاه و در بروشور منعکس می‌باشد.

به طور جدی حرکتی برای ایجاد وحدت صورت نپذیرفته و آنچه تاکنون انجام شده حرکتی از سوی جمعی از طلاب فاضل تحت سرپرستی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی بوده است، البته این مطلب جای بررسی و تحقیق بیشتری دارد. مادر این نوشته تنها موانع وحدت را بر شمرده تا در موقعیتی مناسب به مذاقه و بررسی پیرامون آن پرداخته شود.

#### ب: تحلیل عملکرد و مشکلات دفتر

این دفتر، اهداف بلند و والایی را برای خود ترسیم نموده بود که در ذیل به آن اشاره خواهد شد، اما به دلیل بی‌مهری و عدم عنایت مسئولین امر و همچنین عدم امکانات کافی، عملاً در تعقیب اهداف خود قائل به تخفیف شده و از توسعه قلمرو اهداف عالی خود، تا حدی باز مانده است.

فعالیت در چند گروه علمی که حاصل کار آن، تدوین چند جلد کتاب و دو دست جزوه باشد فقط می‌تواند زمینه را برای وحدت در منابع و متون حاصل نماید. از طرفی با توجه به اهداف مهم فرهنگی که انتظار می‌رود محصول ارتباط و وحدت حوزه و دانشگاه باشد، دو معاونت (پژوهشی و اجرایی) به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی کارها باشد. آن هم با توجه به اینکه مسئولین و اساتید دفتر اشتغالات متعدد داشته و مدتی هم عملاً فعالیت‌های دفتر را کد بوده و اخیراً کمی فعال شده است. اهداف دفتر که عملاً محدود به تدوین منابع واحد و بکارگیری آن در برنامه‌های درسی حوزه و دانشگاه شده است، نمی‌تواند در جهت‌گیری و عملکرد و آرمانها وحدتی بین این دو نهاد حاصل نماید. زیرا وحدت منابع، به معنای قبول تمامی محتوای آن از سوی طرفین نخواهد بود. نمی‌توان ذهن طلبه یا دانشجو را از جولان علمی باز داشت. کما اینکه نمی‌توان انتظار داشت که همه افراد با توجه به استعدادها و متفاوت و ظرفیتهای فکری و وجودی گوناگونی که دارند، درک یکسانی از مطالب علمی داشته باشند و ضرورتی هم بر چنین امری نیست.

بی‌توجهی به مبانی فکری و اعتقادی و ایمانی که پایه هر وحدتی می‌تواند باشد و دوری از اخلاق و روح تعبد و نیز غفلت از حفظ و صیانت دستاوردهای انقلاب، علی‌رغم وجود هر نوع وحدتی، موجب دور شدن از اهداف فرهنگی اسلام خواهد شد و بیگانگی فرهنگی و خودباختگی و تسلیم در برابر دیگران از نتایج همین بی‌توجهی است. هر چند که در منابع و متون حوزه و دانشگاه به آیات و روایات استناد شده و معارف اسلامی به نحو خوبی ارائه گشته، اما این اخلاق و روح تعبد و ایمان است که می‌تواند جوهره دین را در افراد به وجود آورد. چنانکه مقام معظم رهبری هم در این باره تأکید داشته و می‌فرماید:

«آنچه در دانشگاه مهم است تقویت ایمان و روحیه تعبد در برابر پروردگار است و نیز روحیه دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی». از سوی دیگر غفلت از اهداف سیاسی و اجتماعی آن هم با تأکیدات بسیار زیادی که حضرت امام (ره) و به ویژه مقام معظم رهبری در فرمایشات اخیرشان در قسم داشتند، امری نابخشودنی است. ایشان در بیانات خود فرمودند: «سیاسی کردن دانشگاه، دفاع از دستاوردهای انقلاب و ... است».

یکی دیگر از راههای رسیدن به وحدت میان حوزه و دانشگاه این است که علاوه بر وحدت در محتوای بر فراز رشته‌های علوم انسانی، درسی را در دانشگاهها بگذارند به نام: «آشنایی با حوزه و روحانیت» و در این درس تاریخچه، شخصیتها، برنامه‌ها و اهداف حوزه را برای دانشجویان ترسیم کنند تا دانشجو با سابقه و پیشینه دینی خود و همچنین اهمیت و حساسیت جایگاه روحانیت در نظام اسلامی بیشتر آشنا گردد. علاوه بر آن، در برنامه‌های حوزه موجبات آشنایی طلاب را با اوضاع سیاسی اجتماعی روز ایران

و جهان و جایگاه علوم در جوامع بشری، اندیشه‌ها و تفکرات غیراسلامی، فراهم سازند. به هر تقدیر به نظر می‌رسد که اگر جایگاه قانونی این دفتر تغییر یابد یعنی مستقیماً زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی عمل نماید و از نظر بودجه و امکانات هم در تنگنا و مضیقه نباشد و همچنین در زمینه آموزش نیز، به صورت سازمانی و منسجم طلابی را برای تدریس رشته‌های مورد نظر در دانشگاهها آموزش دهند و از سوی دیگر مراکز فرهنگی حوزه و دانشگاه و همچنین شورای عالی حوزه قم عنایت و همکاری بیشتر و جدی‌تری به صورت سازمانی با این دفتر داشته باشند، به نظر می‌رسد که قدری به اهداف متعالیتر دفتر که همانا رسیدن به دانشگاهی سرشار از معنویت و حوزه‌ای برخوردار از علوم و اندیشه‌های بشری است، نزدیک خواهیم شد.

### وضعیت و عملکرد:

#### «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه»

مصاحبه با حجة الاسلام اعرافی - ۷۴/۹/۲۱

#### تاریخچه و تشکیلات دفتر:

در سال ۱۳۶۱ در جریان انقلاب فرهنگی، فرمانی از سوی امام خمینی (ره) خطاب به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم صادر گردید که بر مبنای این فرمان جامعه مدرسین موظف گردید که در زمینه علوم انسانی، آن هم رشته‌هایی از این علوم که ارتباط بیشتری با معارف و علوم دینی دارند، یک کار مشترک حوزوی و دانشگاهی انجام پذیرد. جامعه مدرسین هم این مأموریت را به حضرت آیت‌الله مصباح یزدی واگذار کردند که ایشان هم در همان سال کار خود را در مؤسسه در راه حق آغاز کردند در آن زمان، شش گروه تحقیقاتی در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد و علوم تربیتی تأسیس گردید. این گروهها در ساختمان مؤسسه در راه حق زیر نظر آقای مصباح فعالیت خود را شروع کردند. بافت گروهها به این ترتیب بود که در هر گروهی حداقل پنج شش تن از فضلاء حوزه انتخاب شده بودند و قریب به ۱۰ نفر هم از اساتید دانشگاه در آنها حضور داشتند و به دلیل آنکه دانشگاهها در جریان انقلاب فرهنگی تعطیل بود، حضور اساتید دانشگاه در فعالیتهای دفتر بسیار جدی و فعال بود. در ابتدا، آقای مصباح دوره‌هایی را در معارف اسلامی تشکیل دادند که در دانشگاه الزهرا (س) تهران برگزار می‌شد و اساتید دانشگاه و فضلاء حوزه در آن شرکت می‌کردند. پس از این دوره‌ها، طرحهایی در رشته‌های شش‌گانه فوق با مشارکت حوزه و دانشگاه تهیه گشت، آنگاه تقسیم کار شد، نتایج طرحها و کارها در سمینارهای علمی محدود که جناب آقای مصباح و تعدادی از اساتید دانشگاه در آن حضور داشتند، عرضه می‌شد. حاصل یک سال و اندی تلاش که مرحله اول کار دفتر به حساب می‌آمد و مرحله‌ای فعال و بسیار مفید بود بیش از دوست جزوه است.

مرحله دوم، عبارت است از سه چهار سالی که از شروع و بازگشایی دانشگاهها آغاز گردید. این چند سال را دوران فترت دفتر می‌نامند. زیرا اساتیدی که با دفتر همکاری داشتند به دلیل اشتغال به تدریس در دانشگاهها و پرداختن به امور و مسؤولیتهای اجرایی نتوانستند با دفتر همکاری مفیدی داشته باشند. فضلاء حوزه هم به همین شکل.

مرحله سوم، این دفتر مجدداً از سالهای ۶۶ و ۶۷ که سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی تأسیس



گردید، فعالیت خود را از سر گرفت و از نظر سازمانی هم به آن سازمان مربوط شده و اندکی کارش رونق پیدا کرد.

مرحله چهارم، تقریباً از سال ۱۳۶۹ شروع شد. در این مرحله نمودار تشکیلاتی دفتر مدون می شد و در سازمان امور استخدامی به طور رسمی پستهای سازمانی برای آن تعیین گردید. گروههای ششگانه به ۱۰ گروه توسعه پیدا کرد و بخشی برای آموزش محققان در نظر گرفته شد. فصلنامه حوزه و دانشگاه هم که حدود یک سال است که شروع به فعالیت نموده است.

### «تشکیلات فعلی»:

این دفتر از نظر سازمانی و تشکیلاتی، وابسته به سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) می باشد. رئیس این دفتر را رئیس سازمان سمت معین و انتخاب می کند. این دفتر دارای دو معاونت پژوهشی و اجرایی است. در بخش پژوهشی ده گروه تحقیقاتی وجود دارد در این معاونت، بخشی وجود دارد به نام بخش آموزش که افراد حوزوی حائز شرایط را جهت پرداختن به تحقیقات علمی در دفتر آموزش می دهد. ایشان در حد کارشناسی ارشد آموزش می یابند تا بتوانند به عنوان محقق در گروههای علمی معاونت پژوهشی به کار مشغول شوند. این معاونت دارای کتابخانه و اطلاع رسانی نیز می باشد. معاونت اجرایی دفتر هم طبعاً به امور اجرایی و اداری دفتر می پردازد.

این دفتر در حال حاضر دارای یک شورای عالی سیاستگذاری است که کلیه تصمیم های مربوطه در این شورا گرفته می شود. رئیس این شورا جناب آقای دکتر احمدی هستند که مشارالیه هم رئیس سازمان سمت هستند و هم عضو شورای انقلاب فرهنگی. اعضای دیگر این شورا، دو تن از معاونین ایشان جناب آقای محمدی عراقی و جناب آقای مصباحی هستند، علاوه بر ایشان، جناب آقای غروی و آقای رجیبی و بنده (آقای اعرافی) نیز در شورا حضور داریم.

### اهداف دفتر:

- ۱- تحقیقات بنیادین در برخی از رشته های علوم انسانی که با معارف دینی و مباحث نظری ارتباط دارند.
- ۲- تدوین جزوه ها و کتابها و منابع درسی بر اساس تحقیقات بنیادین مزبور.
- ۳- ارزیابی کتب دانشگاهی.
- ۴- ایجاد و ارتباط و تعامل فکری میان حوزه و دانشگاه در رشته علمی و پژوهشی مزبور.

### مفهوم ارتباط و وحدت:

از وحدت تفاسیر مختلفی ارائه داده اند. که دو دیدگاه مهم آن به شرح ذیل است:

- ۱- یک دیدگاه این است که اصولاً حوزه و دانشگاه را به صورت دو دانشکده از یک دانشگاه بدانیم و آنها را از هر حیث مشابه و نزدیک بر یکدیگر تلقی کنیم. که البته کلمه وحدت با این دیدگاه بیشتر سازگاری دارد.

- ۲- دیدگاه دیگر این است که حوزه دارای مراکز و نظام خاص خودش و دانشگاه هم دارای مراکز و

مؤسسات خودش باشد. اما هر دو آنها اهداف مشترکی را تعقیب نمایند.

آنچه که درباره کار دفتر باید عرض کنم این است که:

خواه منظور ما از وحدت، وحدت نظامهای آموزشی و پژوهشی حوزه و دانشگاه باشد و خواه نوعی ارتباط و تعامل فکری و ایجاد حسن جریان میان آن دو، وحدت فی نفسه در زمینه‌های مختلفی می‌تواند تبلور پیدا کند که مهمترین آنها به شرح ذیل می‌باشد:

#### ۱- وحدت در مسایل آموزشی و پژوهشی:

ایجاد وحدت در این زمینه در واقع نمود کمتری پیدا می‌کند ولیکن تأثیر و کارایی آن بیشتر است. این دفتر در بخشهایی از علوم انسانی که با معارف دینی ارتباط دارند مانند علوم تربیتی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق و اقتصاد، تاریخ، مدیریت، به پژوهش می‌پردازد. کار دفتر در واقع ایجاد یک پل ارتباطی میان محققان این علوم و محققان حوزوی است. در واقع کار اصلی دفتر همان پژوهش است. لذا به همین منظور دوره‌هایی جهت آموزش در دفتر گذاشتیم که در واقع طلابی با سطح خوبی از معلومات حوزوی توانستند در معلومات دانشگاهی هم در برخی رشته‌ها که ذکر شد به حد نصابی برسند. و این طلاب حلقه‌های خوبی برای ارتباط میان حوزه و دانشگاه می‌توانند باشند.

#### نقاط جدایی و افتراق:

حوزه اصولاً سه مسؤولیت و رسالت اصلی دارد: تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی، استخراج آنها، آموزش و انتقال آن به مردم. کار دانشگاه هم عبارت است از آموزش و تربیت کادرهای تخصصی برای مدیریت کشور. اما نمی‌توان به این تقسیم‌بندی بسنده کرد و گفت که حوزه به کار معنوی بپردازد و دانشگاه هم به کاری اداری و اجرایی. علتش هم این است که رابطه علم و دین فراتر از این است. چون در خود دین در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سخن فراوان وجود دارد و افراد حوزوی شایسته است که در آن زمینه‌ها نیز صاحب‌نظر بشوند. دین در نظامهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی حق دارد و این وظیفه حوزه است که آنها را استخراج بکند. از آن طرف هم در شیوه‌های اجرایی و صنعت و غیره نیز علم سخن فراوان دارد. این است که ما در اینجا نمی‌توانیم مرز قاطعی را بین این دو نهاد اجتماعی ترسیم نماییم. اما یک بخشهایی هم وجود دارد که این دو کاملاً از یکدیگر جدا می‌شوند. مثلاً فقه و اصول و نظام حقوقی اسلام را چه کسی باید استخراج بکند؟ این مربوط و خاص حوزه است. یعنی فردی که دارای معلومات حوزوی است. یا به عنوان مثال صنعت و تخصصهای صنعتی و تکنولوژیک را چه نهادی باید انجام بدهد؟ بدیهی است که دانشگاه عهده‌دار این مسؤولیت خواهد بود. در این زمینه‌ها حوزه و دانشگاه کاملاً از هم جدا هستند.

ولی یک قسمتهایی هم وجود دارد که مربوط به علوم انسانی بوده و با معارف دینی مرتبط و عملاً در مدیریتها نقش دارند که در این قسمتها مرزی بین حوزه و دانشگاه وجود ندارد و با یکدیگر باید همفکری نمایند. در این قسمت باید علم و دین مکمل یکدیگر باشند و احساس بی‌نیازی از هم نکنند. در اصطلاح طلبگی بین مسؤولیتهای حوزه و دانشگاه «عموم و خصوص من وجه» وجود دارد. یعنی این دو، دارای یک حوزه مشترک و دو حوزه افتراق هستند.

## موانع ایجاد وحدت:

یکی از موانع ارتباط و وحدت بین حوزه و دانشگاه، نداشتن یک هدف مشترک است. مادامی که هدف حوزه صرفاً دعوت به معنویت و هدف دانشگاه فقط رسیدن به یک زندگی راحت باشد مشکل می‌توان بین آن دو یک وحدت و تفاهمی ایجاد کرد. اما اگر هدف ما این باشد که جامعه‌ای معنوی و سرشار از پیشرفت‌ها و ترقیات به دست آوریم، در اینجا است که حوزه و دانشگاه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و مکمل هم می‌شوند.

نداشتن درک و زبان مشترک، یکی دیگر از موانع وحدت است. یعنی اگر زبان این دو نهاد به هم نزدیک نشود و بنای گفتگوها و بحث‌های میان آن دو بر درک و واقعیات نباشد، به وحدت میان آنها نخواهیم رسید. چون درد مشترک و درک مشترک ندارند و هر یک به راه خود می‌رود.

موانع دیگر: بی‌توجهی حوزه به زبان و برخی از علوم انسانی است که به مسایل زندگی بشر مرتبط می‌شود.

موانع دیگر: وجود نقص و ضعف در برنامه‌های آموزشی هر دو طرف (حوزه و دانشگاه) است. یعنی در طراحی نظام آموزشی حوزه بایستی آشنایی با دانشگاه و عصر و زمان و تحولات زمان در مد نظر باشد. و از طرف دیگر در دانشگاه‌ها هم یک واحد به عنوان پیش‌نیاز، درس تاریخ تمدن اسلامی بگذارند. با این کار دانشجو نسبت به گذشته دینی و شخصیت‌های دینی خودش نزدیکتر می‌شود. بنابراین یکی از موانع وحدت، فقدان برنامه‌ریزی دقیق بر مبنای اهداف مزبور است.

البته ممانعت از تحصیل طلاب به طور همزمان در دانشگاه نیز از موانع ایجاد وحدت به حساب نمی‌آید. زیرا که اگر این کار مجاز باشد موجب افت تحصیلی زیادی خواهد بود. البته اخیراً قانونی گذرانده شده که کسانی که پایه سه حوزه را به اتمام رسانده باشند می‌توانند در امتحان ورودی کارشناسی ارشد دانشگاه شرکت نمایند. البته بنده موافق این امر هستم که طلبه‌ای که در حوزه در حال خواندن فقه و اصول است به او اجازه بدهند که به طور همزمان مثلاً در رشته حقوق دانشگاه نیز تحصیل نماید. چرا که این دو رشته با یکدیگر سنخیت دارند و مکمل هم هستند. ولی آنچه که پیشتر گفتم نظر شورای حوزه بود.

## موانع قانونی موجود در دفتر:

۱- عدم اعطای مدرک رسمی و معتبر به فارغ‌التحصیلانی که در حد کارشناسی ارشد دوره‌ای تربیت محقق را گذرانده‌اند.

۲- دفتر در جایگاه مناسب و در خور شأن خودش قرار ندارد.

## شیوه‌های وصول به اهداف:

### ۱- تحقیقات و پژوهش.

به این شیوه، اساتید حوزه و دانشگاه در کنار یکدیگر کار و فعالیت می‌کنند مثلاً درباره مسأله پول و بانکداری، اساتیدی از سوی دفتر از دانشگاه دعوت شدند که مسؤولیت اجرایی هم دارند مانند دکتر واحدی و دکتر شریف آزاده که در وزارت اقتصاد و دارایی هستند و از اساتید برجسته اقتصاد به شمار می‌روند. این کار قهراً روی تفکر و زار تخانه و دانشگاه و برنامه‌ریزی‌های بعدی اثر می‌گذارد.

## ۲- کنفرانس‌ها و سمینارها.

### ۳- انتشار فصلنامه:

از طریق فصلنامه هم حوزوی‌ها و هم دانشگاهیان با دیدگاه‌های دفتر آشنا می‌شوند. اینها در واقع شیوه‌های اصلی ما هستند. ولی شیوه‌های فرعی هم در دفتر وجود دارد. مثلاً آموزش محقق، طبعاً یک ارتباط خیلی وسیع‌تری را بین اساتید حوزه و دانشگاه و دانشجویان و طلاب فراهم می‌سازد.

### تربیت محقق:

ما در دفتر برخی از طلاب را که معلومات حوزوی خوبی دارند توسط اساتید دانشگاه آموزش می‌دهیم تا به این ترتیب با علوم دانشگاهی هم نسبتاً آشنا گردند. این کار را طی دوره‌هایی انجام می‌دهیم و به فارغ‌التحصیلان مدرکی تقریباً معادل کارشناس ارشد می‌دهیم (که البته هنوز اعتبار و رسمیت قانونی نیافته است). از طرف ما هم برخی از مسؤولین دفتر و اعضای آن در دانشگاهها حضور دارند و در رشته‌های تخصصی در دانشگاه تدریس می‌کنند. البته ما در این فکر هستیم که در تهران دفتری دایر کنیم که دانشجویان را با تفکرات حوزوی و دینی عمیق آشنا کنیم.

نقش دفتر همکاری در ایجاد هماهنگی و وحدت میان مراکز فرهنگی حوزه و مراکز فرهنگی دانشگاهی:

در حوزه علمی‌قم مراکز و مؤسسات فرهنگی متعددی وجود دارند که در زمینه‌های علوم انسانی و معارف اسلامی فعالیت می‌کنند. در محافل دانشگاهی هم مراکز و مؤسسات علمی و فرهنگی زیادی هستند که در موضوعات علوم انسانی به تحقیق و پژوهش اشتغال دارند. به همین منظور یک مجمع هماهنگی مراکز حوزوی و دانشگاهی در قم تأسیس شد که البته مدتی است که بنا به عللی فعالیت این مجمع کم شده است.

ولی این دفتر در بخش اطلاع‌رسانی دائماً با مراکز گوناگون حوزه تماس دارد و گاهی نیازهای دانشگاهی را از طریق آن مراکز مرتفع می‌سازد و به این ترتیب جهت تحقیقات برخی از این مراکز را در راستای نیازهای دانشگاهی در زمینه گروه‌های دهگانه موجود در دفتر قرار می‌دهد. البته این کار ما به صورت رسمی و سازماندهی شده انجام نمی‌گیرد.

### ارتباط طلاب و دانشجویان با دفتر:

اعضای اصلی دفتر که حدود صد و بیست نفر می‌باشند، گروهی تحصیلات حوزوی دارند و در علوم دانشگاهی هم تحقیقاتی داشته‌اند، برخی هم فقط تحصیلات دانشگاهی دارند و گروهی دیگر هم حوزوی بوده‌اند و تحصیلات دانشگاهی را هم به انجام رسانده‌اند و سپس جذب دفتر شده‌اند. تعدادی از افراد هم وجود دارند که حوزوی هستند و ما ایشان را آموزش دانشگاهی می‌دهیم تا توانایی انجام تحقیقات را پیدا کنند و در دفتر مشغول کار پژوهشی گردند. ارتباط اقشار حوزوی و دانشگاهی در همین سطوحی است که ذکر گردید. البته گاهی در سطح وسیع‌تر در قالب سمینارها و کنفرانس‌ها، طلاب و دانشجویان به یکدیگر نزدیک می‌شوند. گاهی به کتابخانه دفتر رجوع می‌کنند و گاهی هم در نگارش پایان‌نامه‌هایشان به

آنان کمک‌هایی می‌کنیم. اینها همه خدمات جنبی است.

### فلسفه‌گزینش گروه‌های تحقیقاتی در دفتر:

علوم انسانی در دانشگاه یک اصطلاح عام دارد که شامل یک بخشی از علوم تجربی می‌گردد که این بخش با رفتارهای آدمی سروکار دارد و شامل زبان و ادبیات و فلسفه و الهیات نیز می‌گردد. ما در اینجا به آن بخش از علوم انسانی که در مبانی و مسائلیش با معارف دینی ارتباط وجود دارد، می‌پردازیم. گروه‌های ما در واقع به دو بخش تقسیم می‌شوند. رشته‌هایی که مستقیماً با معارف دینی ارتباط دارند مثل علوم تربیتی، علوم سیاسی، حقوق، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد و مدیریت. و رشته‌های دیگر که چندان ارتباط عمیقی با معارف دینی ندارد. البته در اینجا گروهی به نام فقه داریم که روی مسائل جدید در حال کار هستند و کاری است حوزوی. در کلام و فلسفه گروه منسجمی تأسیس نکرده‌ایم و بنا داریم تأسیس کنیم اما به تحقیقات پراکنده‌ای در این زمینه پرداخته‌ایم. گروه تاریخ اسلام داریم که کاری حوزوی است.

### دستاوردهای دفتر و طرحهای آینده:

#### الف: دستاوردها

این دفتر تاکنون، علی‌رغم آنکه چند سالی، فعالیتش را کد مانده بود و عمدتاً دو سه سال است که به طور جدی فعال شده است و بودجه کافی هم برای انجام برنامه‌هایش ندارد،<sup>(۱)</sup> بیش از دویست جزوه در گروه‌های ششگانه مزبور منتشر ساخته است.<sup>(۲)</sup> قریب به ۱۵ جلد کتاب نیز تدوین نموده که اسامی آن به شرح ذیل است:

- |   |   |
|---|---|
| ۱- مبانی اقتصادی اسلامی   | ۹- درآمدی بر حقوق اسلامی (ج ۱ و ۲)      |
| ۲- درآمدی بر اقتصاد اسلامی  | ۱۰- اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی        |
| ۳- مبانی جامعه‌شناسی  | ۱۱ و ۱۲- حقوق اساسی (ج ۱ و ۲)           |
| ۴- تاریخچه جامعه‌شناسی  | ۱۳- تاریخ اندیشه سیاسی دانشمندان مسلمان |
| ۵ و ۶- مکتبهای روانشناسی و نقد آن ج ۱ و ۲   | ۱۴- روانشناسی رشد.                      |
| ۷ و ۸- فلسفه تعلیم و تربیت ج ۱ و ۲  |   |
| ۳- فصلنامه حوزه و دانشگاه: با اینکه بودجه کمی داریم ولی این فصلنامه در حوزه و دانشگاه مطلوب واقع شده است. شماره پنجم آن هم اکنون زیر چاپ است. |   |
| ۴- جزوه‌ها و کتب متعددی هم از سازمان سمت یا جاهای دیگر آمده در این دفتر، و ارزیابی و کارشناسی شده و فرستاده شده است. که آمار آن هم زیاد است.  |   |
| ۵- حدود هفت جلد کتاب تحت ویرایش و چاپ   |   |
| ۶- حدود هشتاد مقاله از سمینارهای سالانه.  |   |

#### ب: طرحهای آینده

-۱

-۲

حدود سیزده طرح مطالعاتی و تحقیقاتی داریم که به صورت پروژه بعضی از آنها در داخل دفتر و بعضی دیگر در خارج از دفتر انجام می‌گیرد. این طرحها در موضوعات:

تعلیم و تربیت: فلسفه تعلیم و تربیت - اهداف تعلیم و تربیت - آرا متفکران اسلامی.  
روانشناسی: علم النفس فلسفی با مباحث تطبیقی.  
جامعه‌شناسی: سنتهای اجتماعی از دیدگاه اسلام - آرا متفکران اجتماعی اسلام.  
حقوق: دو سه طرح در حقوق بین‌الملل و حقوق جزاء.  
مدیریت: یک طرح وسیع پنج ساله داریم.  
تاریخ: هیچ.  
علوم سیاسی: در حال کار.  
فلسفه اخلاقی: با آقای لاریجانی قرارداد داریم.  
کلام: آقای ملکیان مشغول کار هستند.  
ترجمه: دو سه کتاب.  
اقتصاد و بانکداری: کارهایی در دست اقدام.

#### اساتید حوزه و دانشگاه در دفتر همکاری:

تعدادی از افراد حوزه، عضو رسمی دفتر و مسؤول گروههای تحقیقاتی هستند که ذکر نامشان در اینجا لازم نیست.

اساتیدی هم در حوزه هستند که عضو رسمی دفتر نیستند ولی مشاور طرحها بوده و همکاری می‌نمایند که برخی از ایشان عبارتند از: جناب آقای مصباح یزدی، جناب آقای جوادی آملی، آیت‌الله سید محمود هاشمی (که ایشان همکاری بسیار خوبی دارند)، آقای محقق داماد و همین‌طور اخوی ایشان که هم دانشگاهی و هم حوزوی هستند، آیت‌الله مؤمن، آیت‌الله سید کاظم حائری، آیت‌الله امینی (گاهی اوقات). البته افراد مزبور از مشاهیر اساتید هستند که نامشان برده شد. به صورت پراکنده هم افراد بسیاری در حوزه هستند که با گروههای تحقیقاتی دفتر همکاری دارند.

از طرف دانشگاه هم ما در دو بخش با دانشگاهیان ارتباط داریم. یکی بخش آموزش است که در این بخش حدود پنجاه استاد دانشگاه به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارند. و یکی هم بخش گروههای تحقیقاتی است که اساتید دانشگاه با همکاری اساتید حوزه به امر پژوهش مشغول هستند.

مثلاً در رابطه با تعلیم و تربیت: آقای اعرافی، دکتر پایدار، دکتر باقری، دکتر محسنی و نیز سابقاً دکتر ابراهیم‌زاده و امینی‌زاده.

در جامعه‌شناسی: دکتر توکل و غیره حضور دارند.

#### ارتباط دفتر با شورای عالی حوزه:

این شورا اشراف سازمانی بر سیاستها و فعالیتهای دفتر ندارد. قرار بر این است که تا یک سال آینده یک بازسازی و تحولی در ساختار دفتر صورت بگیرد که بر مبنای آن یک نماینده از طرف شورای عالی حوزه و یک نماینده هم از سوی مقام معظم رهبری در دفتر حضور داشته باشند و این دفتر بدون وابستگی به

سازمان سمت، زیر نظر شورای انقلاب فرهنگی، فعالیتهای خود را دنبال کند.

### مشکلات دفتر:

- ۱- متأسفانه به عمق و تأثیر کارهای این دفتر توجه چندانی نمی شود. از کمیسیونهای مجلس گرفته تا سازمان برنامه و بودجه و همچنین شورای عالی حوزه هم عنایت چندانی به حساسیت کارهای دفتر ندارند.
- ۲- کمبود بودجه: اگر کمکهای مقام معظم رهبری نبود ما هرگز نمی توانستیم کار را تا اینجا پیش ببریم.
- ۳- جایگاه قانونی: از وابستگی به سازمان سمت خارج شویم. و یا مستقیماً زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی به فعالیت ادامه دهیم یا زیر پوشش حمایتهای شورای عالی حوزه در این زمینه با مقام معظم رهبری ملاقاتی خواهیم داشت.

### انتظارات دفتر از حوزه:

- ۱- آرزو داریم که حوزه از شکل سنتی خود که صرفاً به برخی رشته‌های دینی پرداخته و از برخی دیگر باز می ماند، بیرون آید.
- ۲- انتظار داریم که شورا و مدیریت حوزه وارد فضای کارهای بنیادی و تحقیقاتی شوند و عملاً با دفتر همکاری کنند.

### تذکر:

فقط تأکید می کنم که در معرکه آرا و مسایل گوناگون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که در ارتباط با حوزه و دانشگاه مطرح می شود، بخش عمیق و بنیادین آموزش و پژوهش مورد بی مهری قرار می گیرد. فعالیتهایی که خود دفتر در این زمینه‌ها انجام داده به دلیل آنکه امکاناتی در دست نداشت قانع کننده نبوده و کارهایی را هم که شورای انقلاب فرهنگی کرده قانع کننده نیست. تا آنجا که من اطلاع دارم شورای انقلاب فرهنگی، کمیسیونی در ارتباط با حوزه و دانشگاه تأسیس کرده و اعضای آن را هم مشخص نموده است ولی این کمیسیون تا مدتی قبل که اطلاع داشتم حتی یک جلسه هم تشکیل نداده است.

واقعاً اگر مغزهای متفکر ما به یک نقطه وحدت و تعاون نرسند و بیگانه از یکدیگر باشند، قهراً در بدنه جامعه اثرات نامطلوبی بر جای خواهد ماند.